



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 16, Issue: 2
Autumn & Winter
2025-2026

The necessity of criminalizing non-monetary bribery in light of the standards of the Palermo and Merida Conventions (with regard to the experience of the German legal system)

Hadi Rostami¹ | Ali Akbar Barati² | Hamidreza Maarefi Zanjani Asl³

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. Email: h.rostami@basu.ac.ir
2. Master's Graduate in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services of Justice, Tehran, Iran. Email: abarati811@gmail.com
3. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadegh University (peace be upon him), Tehran, Iran. Level Four Scholar of Jurisprudence and Principles of Qom, Iran. Email: hr.maarefi@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2025/07/02 Received in revised form: 2025/08/12 Accepted: 2025/08/23 Published online: 2025/12/22 Keywords: <i>Bribery, Criminalization, German Legal System, Iranian Legal System, Non-Financial, Palermo & Merida Conventions.</i>	The evolution of administrative corruption methods, particularly in the form of non-financial bribery, has presented legal systems with a novel challenge, necessitating a reevaluation of the scope and boundaries of criminalization. This article, employing a descriptive, analytical, and comparative approach, examines the necessity of criminalizing non-financial bribery in Iran's legal system in light of the standards outlined in the Palermo and Merida Conventions and with reference to the coherent experience of German criminal law. Analysis of the above conventions and German criminal practice indicates that explicitly criminalizing unlawful non-monetary advantages, along with guarantees of prosecutorial certainty and accelerated adjudication, and the imposition of proportionate penalties, constitutes a core component for reinforcing institutional justice and enhancing accountability. In Iran, however, not only does non-pecuniary bribery remain uncriminalized, but ambiguity surrounding the scope of illicit non-monetary benefits, fragmentation in identifying the material and mental elements of the offense, and weaknesses in the mechanisms for detecting and reporting this form of corruption have all undermined the effectiveness of the criminal justice system. The findings demonstrate that, in tandem with precise and comprehensive criminalization, the deployment of complementary institutional safeguards and intelligent, comparative benchmarking monitored through context-specific indicators is essential to achieving effective deterrence and protecting the integrity of public administration. Such criminal interventions, when situated within a coherent penal policy and aligned with administrative developments, will possess the requisite efficacy and legitimacy.
How To Cite	Rostami, Hadi; Barati, Ali Akbar; Maarefi Zanjani Asl, Hamidreza (2025). The necessity of criminalizing non-monetary bribery in light of the standards of the Palermo and Merida Conventions (with regard to the experience of the German legal system). <i>Comparative Law Review</i> , 16 (2), 483-504. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.395975.634771
DOI	10.22059/jcl.2025.395975.634771
Publisher	The University of Tehran Press.



ضرورت جرم‌انگاری رشوة غیرمالی در پرتو معیارهای دو کنوانسیون پالرمو و مریدا (با نگرشی به تجربه نظام حقوقی آلمان)

هادی رستمی^۱ | علی اکبر براتی^۲ | حمیدرضا معارفی زنجانی اصل^۳

۱. نویسنده مسئول؛ دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: h.rostami@basu.ac.ir
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه: abarati811@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران، دانش‌پژوه سطح چهار خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم، قم، ایران. رایانامه: hr.maarefi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ کلیدواژه‌ها: جرم‌انگاری، رشوة غیرمالی، کنوانسیون‌های پالرمو و مریدا، نظام حقوقی آلمان، نظام حقوقی ایران.	تحول در شیوه‌های ارتکاب فساد اداری، به‌ویژه در قالب رشوه‌های غیرمالی، نظام‌های حقوقی دنیا را با چالشی جدید مواجه کرده است؛ پدیده‌ای که پاسخ به آن مستلزم بازاندیشی در حدود و قلمرو جرم‌انگاری است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی، ضرورت جرم‌انگاری رشوة غیرمالی را در نظام حقوقی ایران در پرتو معیارهای مندرج در کنوانسیون‌های پالرمو و مریدا و با نظر به تجربه منسجم نظام کیفری آلمان بررسی می‌کند. بررسی کنوانسیون‌های یادشده و رویه کیفری آلمان نشان می‌دهد که جرم‌انگاری صریح امتیازهای غیرمالی غیرقانونی، همراه با تضمین قطعیت تعقیب و تسریع دادرسی، در کنار تناسب مجازات‌ها، مؤلفه‌های کلیدی تحکیم عدالت نهادی و افزایش مسئولیت‌پذیری است. برعکس، رشوة غیرمالی در ایران جرم‌انگاری نشده که این مشکل در کنار ابهام در مصادیق مزیت نامشروع غیرمالی، تشدد در تشخیص ارکان مادی و روانی جرم، ضعف سازوکارهای کشف و گزارش این دسته از فسادها، کارایی نظام عدالت کیفری را در مبارزه با فساد، تضعیف کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد به‌موازات جرم‌انگاری دقیق و جامع، به‌کارگیری سازوکارهای نهادی مکمل و الگوبرداری تطبیقی هوشمندانه و با نظارت بر اساس شاخص‌های بومی برای نیل به بازدارندگی مؤثر و صیانت از سلامت نظام اداری ضروری است؛ به‌گونه‌ای که مداخله کیفری در چارچوب سیاست جنایی منسجم و متناسب با تحولات نظام اداری، از کارآمدی و مشروعیت لازم برخوردار باشد.
استناد	رستمی، هادی؛ براتی، علی‌اکبر؛ معارفی زنجانی اصل، حمیدرضا (۱۴۰۴). ضرورت جرم‌انگاری رشوة غیرمالی در پرتو معیارهای دو کنوانسیون پالرمو و مریدا (با نگرشی به تجربه نظام حقوقی آلمان). <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۶ (۲)، ۴۸۳-۵۰۴. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.395975.634771
DOI	10.22059/jcl.2025.395975.634771
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

رشوه دادن و رشوه گرفتن و به بیان دیگر، رشاء و ارتشاء، از پدیده‌های مجرمانه‌ای است که همواره جوامع انسانی با آن روبه‌رو بوده و در هر جامعه‌ای به صورت‌های گوناگون ظهور یافته است و به تبع آن، جوامع مختلف نیز قوانین، مقررات و ترتیباتی را برای مقابله با آن و پیشگیری وضع و اجرا می‌کنند. شیوه رشوه دادن و رشوه گرفتن به اقتضای تحولات اجتماعی و وضع زمانه، متحول و دچار قبض و بسط شده و امروزه پدیده رشوه غیرمالی به عنوان یکی از مظاهر فساد اداری در اغلب جوامع انسانی مرسوم و متداول شده است و از این رو، قانون‌گذاران داخلی برای مقابله با آن به ضمانت‌های اجرای کیفری متوسل شده‌اند. رشوه غیرمالی به دلیل ماهیت غیرمادی و پیچیدگی‌های آن، چالش‌های بیشتری نسبت به رشوه مالی در شناسایی و پیگرد قانونی ایجاد می‌کند. در ایران، قوانین کیفری بر رشوه مالی متمرکز شده و رشوه غیرمالی برای سیاست‌گذاران هنوز ناشناخته مانده و به مواد قانونی راه پیدا نکرده است (Najafi Abrandabadi, 2019: 123). این خلأ و فقدان قانون، امکان سوءاستفاده از موقعیت‌های شغلی یا نفوذ را برای افراد فراهم می‌کند تا به روش‌های غیرمادی، خواست‌ها و مقاصد نامشروع خود را در عرصه شغلی و اداری دنبال نمایند. جرم‌انگاری رشوه‌های غیرمالی از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌ساز اصلاحات قانونی با ارائه تعریف جامع‌تری از رشوه و تقویت ابزارهای نظارتی شود. بررسی تطبیقی با نظام‌های حقوقی پیشرو مانند آلمان که رشوه غیرمالی را جرم‌انگاری کرده‌اند و نیز تحلیل شرایط ایران، می‌تواند چارچوبی کارآمد برای پیشگیری از این نوع جرایم و ارتقای سلامت اداری را فراهم آورد. فرضیه اصلی این پژوهش آن است که جرم‌انگاری رشوه غیرمالی در حقوق ایران نه تنها ضروری است، بلکه می‌تواند با الگوبرداری از اسناد بین‌المللی و تجربه آلمان، به کاهش فساد و تقویت عدالت کیفری در این کشور کمک کند.

در خصوص مبحث رشوه غیرمالی، چندین پژوهش انجام گرفته است؛ مانند مقاله «رشوه غیرمالی» (Eizadifard, 2004: 11-27) که این موضوع در آن از منظر فقه بررسی شده است؛ همچنین «ارتشای مقام‌های عمومی و دادن رشوه به آن‌ها در آیین قوانین داخلی و کنوانسیون میریدا» (Hoseini & Bahreman, 2012: 126-146)، که نویسندگان از منظر کنوانسیون میریدا و قوانین داخلی به این پدیده نگاه کرده و ضرورت جرم‌انگاری آن را توجیه نموده‌اند و نیز مقاله «مطالعه تطبیقی جرایم رشاء و ارتشاء در حقوق کیفری ایران و آلمان» (Mirarabian & Zavar, 2023: 87-109) که در آن، سیاست جنایی ایران با آلمان مقایسه شده و نتیجه‌گیری این بوده که نظام حقوقی آلمان در مقابله با مظاهر فساد موفق‌تر و کارآمدتر عمل کرده است. مقاله نخست، موضوع را صرفاً از منظر فقه کاویده است؛ مقاله دوم، منصرف از رشوه غیرمالی، رویکرد عام به موضوع دارد؛ و مقاله سوم نیز تمرکز خاصی بر رشوه غیرمالی

ندارد. پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های پیش‌گفته، به‌طور خاص بر رشوه غیرمالی متمرکز شده و با بررسی توصیه‌ها و الزامات اسناد بین‌المللی (کنوانسیون‌های پالرمو و مریدا) و با توجه به تجربه موفق نظام حقوقی آلمان در لحاظ معیارها و مقررات بین‌المللی و نیز اقتضائات عصر کنونی و چالش‌های گوناگون نظام اداری در خصوص فسادهای غیرمادی، ضرورت جرم‌انگاری رشوه غیرمالی را توجیه کرده است. از این رو، نگارندگان پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که آیا جرم‌انگاری رشوه غیرمالی در حقوق ایران ضروری است و چگونه می‌توان با بهره‌گیری از اسناد بین‌المللی و تجربه نظام‌های حقوقی دیگر، این خلأ را برطرف کرد.

بنابراین در مقاله حاضر کوشش شده است، نخست با طرح مفهوم‌شناسی و مبانی جرم‌انگاری رشوه غیرمالی، مفهوم و بنیان‌های جرم‌انگاری در رشوه غیرمالی بررسی شود و سپس تأثیر جرم‌انگاری رشوه غیرمالی در تقویت عدالت نهادی با انطباق پاسخ کیفری و اصل پیشگیری مؤثر و نیز تقویت شفافیت و عدالت رویه‌ای تحلیل گردد. در گام بعدی، چالش‌های نظام‌های حقوقی از منظر دشواری اثبات و تفسیر ارکان مادی و معنوی جرم، نحوه عملکرد نهادهای نظارتی در کشف و اثبات رشوه غیرمالی مطرح و ارزیابی شد و سرانجام، با آسیب‌شناسی قوانین داخلی، بر راهکار مشخصی تأکید گردید.

۲. مفهوم‌شناسی و مبانی جرم‌انگاری رشوه غیرمالی

جرم‌انگاری تنها در صورتی موجه است که پاسخ به رفتارهای آسیب‌زا، هم از حیث نظری و هم از منظر عملی، ضرورتی گریزناپذیر باشد. رشوه غیرمالی به‌رغم آنکه از حیث ظاهری فاقد مبادله مالی مستقیم است، در عمل می‌تواند حتی بیش از رشوه مالی، منافع عمومی، اعتماد شهروندان و سلامت اداری را تهدید کند. پیش از طرح و تحلیل مبانی نظری این پدیده، لازم است که مفهوم رشوه غیرمالی و قلمرو آن به‌طور مختصر بررسی و تبیین شود.

۲.۱. مفهوم رشوه غیرمالی

رشوه در اصطلاح حقوقی، به پرداخت یا دریافت هرگونه مزیت - چه مادی و چه غیرمادی - به‌منظور تأثیرگذاری بر انجام یا عدم انجام یک عمل قانونی اطلاق می‌گردد (Sharifian, 2016: 35). رشوه به‌طور کلی به دو دسته مالی و غیرمالی تقسیم می‌شود. رشوه مالی به‌طور معمول شامل پرداخت پول، اموال یا دارایی‌های ملموس است، درحالی که رشوه غیرمالی به مزایای غیرمادی اشاره دارد. مصادیق رشوه غیرمالی می‌تواند شامل مواردی مانند ارتقای شغلی، اعطای امتیازات خاص، ارائه خدمات مختلف یا حتی وعده‌های آینده برای انجام یا عدم انجام یک عمل قانونی باشد (Javadi & Ghorbanzadeh,)

164: 2024). البته، می‌توان همه خدماتی را که مابه‌ازای پولی دارند، در شمول واژه «مال» قرار داد (Aghaieenia & Rostami, 2024: 306). اما سایر ارتباطات که از شمول قبول وجه، مال، سند پرداخت یا تسلیم وجه یا مال خارج باشند، تحت عنوان رشوه غیرمالی قرار می‌گیرند که قوانین ایران نسبت به آن ساکت است؛ مانند پیشنهاد ازدواج در قبال انجام یا عدم انجام کاری یا پیشنهاد برقراری رابطه جنسی با مقاصد یادشده که بعضاً با سوءاستفاده از مقام و موقعیت شخص انجام می‌گیرد. در این موارد، رابطه جنسی به‌مثابه کالا مورد توجه قرار می‌گیرد که مطابق برخی یافته‌ها، واکنش‌ها نسبت به آن تنبیهی‌تر است. این مصادیق در نظام‌های حقوقی مختلف به اشکال متفاوتی مورد توجه و جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند؛ برای مثال، در آلمان، رشوه غیرمالی به‌طور جامع‌تری مورد توجه قرار گرفته و مصادیق گوناگون آن در قوانین کیفری این کشور به‌روشنی آمده است (299, 332, 334 & 335 StGB). رشوه غیرمالی در مواد ۱۵ و ۱۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد (مریدا)^۱ و ماده ۸ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو)^۲ تحت عنوان «مزایای ناعادلانه»^۳ تعریف شده است؛ این اصطلاح، محدود به مزایای مالی نشده، امتیازات غیرمالی را نیز شامل می‌گردد. در مقابل، در ایران، نبود مقرر قانونی مشخص برای رشوه غیرمالی، شناسایی و مقابله با آن را با دشواری مواجه کرده است. مواد مرتبط با رشوه در حقوق ایران، از جمله ماده ۵۹۲ قانون تعزیرات (۱۳۷۵) و ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (۱۳۶۷)، پرداخت رشوه را به وجه، مال یا سند پرداخت یا تسلیم مال محدود کرده‌اند و برای تحقق این عنصر، نخست باید فعل خارجی ملموس و در قالب اعطای مال (نقدی یا غیرنقدی) رخ دهد؛ یعنی متهم باید مالی را مثلاً به کارمند دولت یا مستخدم عمومی تحویل دهد یا سند انتقال آن را ارائه کند. دوم، باید رابطه سببیتی میان این پرداخت و رفتار موظفانۀ مأمور وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر، تسلیم مال باید با انگیزه تأثیرگذاری بر انجام یا ترک وظیفه‌ای اداری صورت گرفته باشد. نهایتاً، مال موضوع رشوه باید قابل تملک و ارزش‌گذاری اقتصادی باشد تا بتوان وجود فعل مادی و اعتبار حقوقی آن را در رسیدگی کیفری اثبات کرد. تحلیل این مواد نشان می‌دهد تمرکز قانون‌گذار ایران صرفاً بر بُعد مالی رشوه بوده و این مهم، خلأهایی در شناسایی و جرم‌انگاری رشوه‌های غیرمالی ایجاد کرده است.

1. United Nations Convention against Corruption (Merida)

2. United Nations Convention against Transnational Organized Crime (Palermo)

3. Undue Advantages

۲.۲. مبانی نظری جرم‌انگاری

بررسی مفهوم و مبانی نظری جرم‌انگاری رفتارها، مستلزم واکاوی مفاهیمی چون مشروعیت مداخله کیفری، حدود شناسایی منافع عمومی و تبیین رابطه آن با نظم اجتماعی است. این مباحث در پرتو تحولات بین‌المللی و الزامات ناشی از اسناد جهانی سنجیده می‌شوند، اما در عین حال، اتکای صرف بر الگوهای بیرونی، بدون توجه به ساختار اجتماعی و فرهنگی داخلی یک کشور، می‌تواند به تعارض‌های جدی منتهی گردد.

۲.۲.۱. سنخیت مداخله کیفری با اصل تناسب

اصل تناسب جرم و مجازات تضمین می‌کند که مداخله کیفری صرفاً در محدوده‌ای باشد که بتواند شدت ضرر ناشی از رفتار مجرمانه و منافع عمومی آسیب‌دیده را بازتاب دهد. این اصل که در متون حقوقی ضامن عدالت کیفری شناخته می‌شود، مانع از آن است که دولت با بهره‌گیری از قدرت کیفری، در قلمرو آزادی‌های فردی یا تعاملات اداری، در حدی فراتر از ضرورت‌های امنیت اجتماعی و منافع عمومی دخالت کند. در زمینه رشوه غیرمالی، اهمیت این اصل دوچندان است؛ از یک سو، نفع موردنظر بر مبنای منافع مادی نیست و از سوی دیگر، گستره مصادیق رفتاری چنان وسیع است که اگر معیاری چون تناسب نباشد، ممکن است عناوین مجرمانه دامنه‌ای بی‌حد و مرز پیدا کند (Kriste & Rose, 2018: 867).

تضاد میان سلطه کیفری و آزادی فردی از منظر نظری باید از طریق سازوکارهای تبیین و تفسیر حدود رفتارهای مجرمانه برطرف شود؛ به گونه‌ای که قانون‌گذار با توجه به منافع عمومی و آثار به‌خطر افتادن اعتماد عمومی، میزان مداخله کیفری را طوری تنظیم کند که لطمه به منافع ملی و مشروعیت نهادهای دولتی جبران شود. برای این منظور لازم است مفهوم «ضرورت» بازتعریف شود و ارزیابی آن بر پایه سه معیار صورت گیرد: نخست، هدف‌گذاری؛ دوم، تناسب وسیله؛ و سوم، امکان به‌کارگیری راه‌حل‌های جایگزین کمترتهاجمی (Dachak, 2021: 32).

با فقدان مقرر و تعریف صریح از مصادیق «نفع غیرمالی» و معیارهای سنجش شدت آسیب اجتماعی در حقوق ایران، این خطر محتمل است که گستره جرم‌انگاری به رفتارهای اداری متداول نیز تسری یابد. بر اساس پژوهش‌های اخیر، تا زمانی که چارچوب نظری متناسب با ارزش‌های بومی و استانداردهای بین‌المللی در قانون مجازات اسلامی بازنگری نشود، امکان اعمال صحیح این اصل فراهم نمی‌شود؛ چراکه هرگونه مجازات ناهم‌ساز با شدت جرم می‌تواند ناقض اصل پیش‌بینی‌پذیری قانون و ضمانت‌های حقوق شهروندی باشد (Naeimi et. al., 2022: 78).

در گسترش دایره جرم‌انگاری به حوزه رشوه غیرمالی، ضروری است که مداخله کیفری، نه صرفاً واکنشی نمادین، بلکه پاسخی سنجیده، مؤثر و متناسب با آسیب ناشی از آن رفتار باشد. کنوانسیون مریدا دولت‌های عضو را به تدوین سیاست‌های کیفری معطوف به پیشگیری و اجرای قانون در چارچوب «حاکمیت قانون و اصول بنیادین عدالت کیفری» ملزم می‌سازد (UNCAC, Art. 5). بنابراین، در جرم‌انگاری رشوه غیرمالی، لازم است اثبات شود که پاسخ کیفری نه‌تنها مؤثرترین ابزار مقابله است، بلکه کم‌ضررترین واکنش نسبت به آزادی‌های بنیادین محسوب می‌شود.

۲.۲.۲. کارکرد بازدارندگی کیفری

نظریه بازدارندگی به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی توجیه جرم‌انگاری، ابزاری است برای سنجش مشروعیت و کارایی واکنش کیفری در مواجهه با رشوه غیرمالی. مطالعات جدید تأکید دارد که صرف وجود مجازات در قانون، عامل بازدارنده نخواهد بود؛ مگر آنکه سه شرط توأمان رعایت شود: شدت مجازات، قطعیت اجرای آن، و سرعت واکنش قضایی (Billis et. al., 2021: 15). در جرایمی نظیر رشوه غیرمالی، نبود جرم‌انگاری صریح موجب می‌شود رفتارهایی که حاوی امتیازگیری‌های نامشروع غیرمالی هستند، نه‌تنها مجرمانه تلقی نشوند، بلکه به‌مرور به هنجار تبدیل شده، بازدارندگی را از اساس تضعیف کنند.

ضعف در پوشش کیفری رفتارهای حاوی امتیازگیری غیرمالی در حقوق ایران موجب شده است که بسیاری از مصادیق فساد اداری به دلیل نبود عنوان مجرمانه روشن، از چرخه تعقیب کیفری خارج شوند. برخی از پژوهش‌ها با بررسی پرونده‌های مختومه در دستگاه‌های نظارتی نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از سوء رفتارهای مبتنی بر تبادل منافع غیرمادی، به دلیل خلأ قانونی، فاقد پیگرد مؤثر بوده‌اند (Firoozjaeean & Mahmoudian, 2021: 216). این وضعیت موجب تضعیف جدی اصل بازدارندگی شده، گسترش نوعی «مصونیت عملی» برای این قبیل رفتارها را در پی داشته است. کنوانسیون مریدا در مواد ۱۵ و ۱۸، رشوه در قالب «مزایای غیرمالی» را نیز شایسته جرم‌انگاری می‌داند (UNCAC, Art. 15) (18 &). این جنبه از جرم‌انگاری از دیدگاه نظریه بازدارندگی مؤثر، موجب افزایش هزینه ارتکاب و کاهش تمایل به رفتار مجرمانه خواهد شد؛ امری که در ماده ۱۸ کنوانسیون یادشده در قالب تعبیر مجازات‌های «مؤثر، متناسب و بازدارنده» مورد تأکید قرار گرفته است.

۳.۲.۲. توازن میان مصالح عمومی و آزادی‌های فردی

تحلیل‌های نوین در جرم‌شناسی تطبیقی نشان داده است که فقدان واکنش کیفری نسبت به اشکال غیرمالی فساد، زمینه را برای شکل‌گیری چرخه‌ای از تبعیض و سوءاستفاده نظام‌مند فراهم می‌سازد که در بلندمدت، مشروعیت و مقبولیت اجتماعی نهادهای حکومتی را کاهش می‌دهد (Rose-Ackerman & Palifka, 2016: 212). مقررات کنوانسیون مریدا، مداخله کیفری در حوزه رشوه غیرمالی را با رعایت اصل تناسب، ضرورت و موازنه با آزادی‌های فردی مورد تأکید قرار داده است. ماده ۵ این کنوانسیون، کشورهای عضو را به سیاست‌گذاری پیشگیرانه همراه با احترام به حاکمیت قانون و حقوق اساسی شهروندان ملزم کرده است (UNCAC, Art. 5). در جرم‌انگاری رشوه غیرمالی، تفتیش یا محدودسازی حقوق افراد نباید بدون پیش‌بینی کردن سازوکارهای حفظ حقوق بنیادین شهروندان صورت گیرد. کنوانسیون مریدا این مداخلات را صرفاً در صورت وجود دلایل منطقی مجاز می‌داند، ضمن اینکه باید حق دفاع و اصل براءت در فرایند دادرسی محفوظ بماند. مطالعات جدید در آلمان، حاکی از آن است که رویکرد مبتنی بر «منفعت عمومی غالب»^۱ در توجیه جرم‌انگاری مورد توجه جدی قرار گرفته است. بر این اساس، اگر رفتاری به‌طور قابل پیش‌بینی موجب تضییع فرصت‌های برابر یا تصمیم‌گیری‌های ناعادلانه در عرصه عمومی شود، توجیه کافی برای مداخله کیفری فراهم خواهد شد. پژوهشگران آلمانی ضمن تأکید بر ضرورت بازتعریف «نفع شخصی غیرمالی» در رفتارهای فسادآمیز، پیشنهاد کرده‌اند که میزان لطمه به فرایندهای دموکراتیک و شفافیت، معیار اصلی در ارزیابی ضرورت جرم‌انگاری باشد (Kubbe & Engelbert, 2018: 98).

برخی پژوهش‌ها با تحلیل رویه‌های نظارتی در سازمان بازرسی کل کشور نتیجه می‌گیرند که در بسیاری از موارد بررسی شده، اثبات وجود منفعت غیرمالی چون وعده‌های ارتقا یا اعمال نفوذ خانوادگی، با دشواری روبه‌رو شده و به دلیل فقدان جرم‌انگاری مشخص، پرونده‌ها از مسیر تعقیب کیفری انحراف پیدا کرده‌اند (Zarandi et. al., 2017: 173). همین امر موجب شده است کارکرد بازدارنده حقوق کیفری به‌شدت کاهش یابد و فضای اداری به‌سوی تساهل در برابر فساد سوق پیدا کند.

با این حال، گسترش قلمرو کیفری نباید به بهای نقض اصول بنیادین حقوق فردی تمام شود و جرم‌انگاری نباید با تعابیر کلی و مبهم همراه باشد؛ بر همین اساس، طراحی نظام کیفری باید بر معیارهایی دقیق، محدود، و قابل‌ارزیابی مبتنی گردد که هم تضمین‌کننده پاسخ به فساد و هم حافظ آزادی‌های مشروع فردی باشد.

1. Überwiegendes Öffentliches Interesse

۳. تأثیر جرم‌انگاری رشوه غیرمالی در تقویت عدالت نهادی

در پیوند میان جرم‌انگاری رشوه غیرمالی و تحقق عدالت نهادی، اهمیت ابزار کیفری در تأمین حافظهٔ جمعی و پاسخگویی ساختاری نباید نادیده گرفته شود. هنگامی که قانون‌گذار رفتار امتیازدهی غیرمالی را در سطح یک جرم به رسمیت می‌شناسد، پیامد آن، تقویت نظم اداری و افزایش اعتماد شهروندان به سازوکارهای دولتی است (Mungiu-Pippidi, 2015: 145). این رویکرد باعث می‌شود تا نه تنها متخلفان نسبت به آثار اعمال خود مسئولیت‌پذیر شوند، بلکه ساختارهای تصمیم‌گیری نیز ملزم به شفاف‌سازی و رعایت معیارهای بی‌طرفی گردند.

۱.۳. لزوم انطباق پاسخ کیفری با اصل پیشگیری مؤثر

برای تحقق پیشگیری مؤثر در برابر رشوه غیرمالی، لازم است نظام کیفری شامل پوششی جامع از اشکال امتیازگیری یا امتیازدهی باشد تا رفتاری که بتواند بستر فساد سازمان‌یافته را فراهم آورد، از چتر تعقیب به‌دور نماند. پوشش جامع دامنهٔ رفتارهای مجرمانه، به‌مثابه شرط لازم برای پیشگیری مؤثر مطرح است (Chandan et. al., 2023: 128). قطعیت تعقیب، یعنی اطمینان از اینکه هر گزارش یا کشف فساد منجر به پیگرد می‌شود، نقش بازدارنده‌ای فراتر از صرف پیش‌بینی قانونی دارد. مطالعات نشان داده‌اند حتی احتمال پنجاه درصدی پیگرد می‌تواند به‌طور معناداری نرخ ارتکاب را کاهش دهد (Rose-Ackerman & Palifka, 2016: 145). سرعت تعیین و اجرای مجازات نیز مؤلفه‌ای کلیدی است. تأخیر طولانی در دادرسی و صدور حکم، تأثیر بازدارندگی را به‌شدت تضعیف می‌کند؛ چراکه ذهن متمایل به فساد، فرصت‌های آزمودن قانون و فرار از آن را می‌یابد (Holmes, 2015: 76). بر این اساس، استقرار سازوکارهای رسیدگی الکترونیک و فوریت در صدور کیفرخواست باید در دستور کار باشد. اما فقدان تعریف روشن «رشوه غیرمالی» در ایران موجب شده است بسیاری از موارد ثبت‌شده در مراجع نظارتی، از شمول کیفری خارج شوند؛ حتی زمانی که مدارک کافی دال بر وجود امتیاز نامشروع موجود است (Jamour & Abdolhosseinzadeh, 2024: 22).

مواد کنوانسیون‌های مریدا و پالرمو، بر لزوم انطباق کیفر با اصل پیشگیری مؤثر در مبارزه با فساد، ازجمله اشکال غیرمالی رشوه تأکید می‌کند. مادهٔ ۵ کنوانسیون مریدا، کشورهای عضو را به طراحی «سیاست‌های جامع پیشگیرانه» ملزم می‌داند که باید با نظام کیفری داخلی هم‌راستا و هماهنگ باشد؛ این به آن معناست که پاسخ کیفری، نه صرفاً تنبیهی، بلکه باید واجد کارکرد پیشگیرانه باشد. کنوانسیون پالرمو نیز در مواد ۵ و ۶، ضمن الزام به جرم‌انگاری اقدامات مرتبط با جرایم سازمان‌یافته، تصریح می‌کند که نظام کیفری باید در تعامل مؤثر با سازوکارهای پیشگیرانه قرار گیرد. به تعبیر دقیق‌تر، پاسخ کیفری

در صورتی کارآمد خواهد بود که با ساختارهای پیشگیرانه در سیاست کیفری هم‌افزایی داشته باشد؛ چنان‌که عدم انطباق میان این دو مهم می‌تواند به ناکارآمدی مجازات‌ها و استمرار فساد بینجامد (Graycar & Sidebottom, 2017: 53). تجربه آلمان نیز به‌وضوح نشان‌دهنده این است که جرم‌انگاری صریح رشوه غیرمالی همراه با تضمین فرایندهای سریع و قطعیت تعقیب، پیشگیری را به سطح جدیدی ارتقا می‌دهد. در این کشور، هرگونه وعده یا دریافت امتیاز غیرمادی به‌مثابه فعل مجرمانه است و میانگین زمان رسیدگی به این پرونده‌ها کمتر از شش ماه خواهد بود (Wolf (a), 2016: 204)؛ بنابراین برای انطباق پاسخ کیفری با اصل پیشگیری مؤثر در قوانین کیفری ایران، ضروری است: نخست، تعریف «رشوه غیرمالی» با جزئیات کافی در متون قانون گنجانده شود تا دامنه پوشش کیفری گسترده‌تر گردد.

دوم، سازوکارهای قضایی الکترونیک و فوریت در رسیدگی (قطعیت سریع) اجرایی شود. سوم، تشدید مجازات در مصادیق فساد ساختاریافته در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی گردد. این اقدامات در کنار گزارش‌گری عمومی و نظارت مدنی که به سوت‌زنی تعبیر می‌شود، می‌تواند بازدارندگی واقعی و عدالت نهادی را تضمین کند.

۲.۳. تقویت شفافیت و عدالت رویه‌ای

شفافیت و عدالت رویه‌ای، دو رکن مکمل برای مقابله مؤثر با رشوه غیرمالی‌اند. شفاف‌سازی ساختاری فرایند انتصابات، تصمیم‌گیری از طریق انتشار عمومی ضوابط گزینش و سوابق تضاد منافع و آمار قطعی پرونده‌های فساد، زمینه را برای مشارکت مدنی و کنترل همگانی فراهم می‌آورد. در غیاب این شفافیت، کاهش انگیزه گزارش‌گری و قوت گرفتن شبکه‌های فساد پنهان، فرایند پیشگیری را ناکام می‌گذارد. شفافیت و نظارت در مسیر پیشگیری از فساد، محور اصلی کنوانسیون مریدا در فصل سوم است که بر لزوم انتشار عمومی اطلاعات مربوط به اقدامات پیشگیرانه و عملکرد نهادهای نظارتی تأکید می‌کند تا شهروندان و نهادهای مدنی بتوانند در نظارت مشارکت فعال داشته باشند (Hussmann, 2020: 51-52). همچنین، کنوانسیون پالرمو در ماده ۶، الزامی برای هماهنگی بین‌دستگاهی فراهم می‌آورد که با ایجاد پایگاه‌های داده مشترک و دسترسی قضایی به آمار پرونده‌ها، روند رسیدگی را قابل رصد و هم‌راستا با استانداردهای بین‌المللی می‌سازد (Evans, 2022: 78). این دو رکن هماهنگ، ضمن افزایش قابلیت پیش‌بینی قانونی، از طریق افشای شفاف رویکردهای پیشگیرانه و اجرای عدالت رویه‌ای، اعتماد عمومی را ارتقا داده، ضمانت بازدارندگی را تقویت می‌کنند.

شفافیت رویه‌ای و عدالت اداری در نظام حقوقی آلمان با دو مؤلفه اساسی تقویت شده است: انتشار عمومی آرای قضایی مرتبط با رشوه غیرمالی و حمایت قانونی گسترده از گزارش‌گران داخلی. دسترسی

آزاد به متن آرا (به موجب قانون دسترسی به اطلاعات قضایی)، مبنای تفسیر واحد از مصادیق امتیازگیری غیرمالی را در میان قضات و وکلا فراهم می‌آورد (Wolf (b), 2016: 629). هم‌زمان، قانون حمایت از افشاگران فساد^۱، گزارشگری را مصون از اقدامات تلافی‌جویانه می‌کند و این حمایت، نرخ گزارش داخلی تخلفات غیررسمی را تا ۳۰ درصد افزایش داده است (Böhm, 2017: 212). به علاوه، همکاری نهادهای نظارتی با سازمان‌های مردم‌نهاد تحت نظارت دیوان فدرال حسابرسی^۲، امکان انتشار آمار دوره‌ای در قالب گزارش‌های شفافیت‌محور را فراهم می‌کند و این امر، به روزرسانی استانداردهای رویه‌ای را پایدار می‌سازد.

در ایران، قانون «حمایت از گزارشگران فساد» مصوب ۱۴۰۲، با هدف تشویق افشای فساد، بر حفظ محرمانگی هویت گزارشگران و مصونیت آنان از پیگرد تأکید دارد. این قانون، گامی مهم در راستای حمایت حقوقی از گزارشگران فساد است و مجازات‌هایی را برای افشای هویت گزارشگر پیش‌بینی کرده است. سازمان بازرسی کل کشور نیز به منظور افشای فساد اقتصادی در بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی سامانه‌ای با نام «سامانه سوت‌زنی و گزارشگران فساد»^۳ ایجاد کرده است که گزارش فساد به صورت ناشناس را تحت پوشش قرار می‌دهد. با این حال، نبود نهاد نظارتی مستقل، ضعف ضمانت‌های اجرایی، و فقدان رویه‌های شفاف در مقابله با اقدامات تلافی‌جویانه، همچون اخراج یا محدودیت شغلی، کارایی عملی آن را محدود نموده است. در نتیجه، تحقق مناسب حمایت مؤثر، مستلزم اصلاح ساختارهای اجرایی و نظارتی است.

عدالت رویه‌ای و رویکردی به معنای تضمین اصول دادرسی منصفانه شامل اصل برائت، حق دفاع و دسترسی برابر به حریم قضایی است. اگر شفافیت فرایندی بدون عدالت رویه‌ای باشد، ممکن است موجب سوءاستفاده از ابزار کیفری و نقض آزادی‌های مشروع گردد.

فقدان مدیریت تعارض منافع در قوانین جاری در ایران، نبود سامانه متمرکز ثبت تضاد منافع و عدم انتشار عمومی احکام قطعی فساد غیرمالی به صورت گسترده، مانع تبدیل شفافیت به فرهنگ سازمانی شده و عدالت رویه‌ای را در معرض آسیب قرار داده است (Khezri, 2008: 818). بنابراین، ضروری است که پایگاه داده ملی تضاد منافع با دسترسی عموم ایجاد شود و آمار رسیدگی و نتایج آن در پورتال رسمی قوه قضاییه^۴ به طور منظم منتشر شود و حقوق دادرسی در فرایندهای سریع الکترونیک تضمین

1. Hinweisgeberschutzgesetz

2. Bundesrechnungshof

3. <https://136.bazresi.ir/dargah/dashboard2/report>

۴. مطابق ماده ۶۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) و ماده ۵ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ (شمول این قانون بر قوه قضاییه بر اساس تفسیر شورای نگهبان است)، انتشار منظم آمار رسیدگی، شامل تعداد پرونده‌ها،

گردد. تجربه آلمان نشان می‌دهد که توأم ساختن جرم‌انگاری رشوه غیرمالی با شفافیت مناسب رویه‌ای و عدالت دادرسی می‌تواند الگویی موفق برای سایر نظام‌های حقوقی، از جمله ایران باشد که هم بازدارندگی را تضمین کند و هم حقوق فردی را پاس دارد.

نبود جرم‌انگاری مستقل پیرامون رشوه غیرمالی در عمل موجب توقف در شکل‌گیری رویه قضایی مؤثر شده است؛ از یک سو، تعقیب کیفری این‌گونه رفتارها در غیاب قانون ممکن نیست و از سوی دیگر، با فرض جرم بودن این رفتارها، اثبات آن با تکیه بر مستندات و دلایل متعارف (غالباً مکتوب)، کارآمدی لازم را ندارد؛ حال آنکه سازوکارهای احراز اعتبار و حجیت داده‌های دیجیتال نیز به‌طور مشخص در نظام دادرسی تعریف نشده‌اند. برای رفع این کاستی‌ها، لازم است قانون مستقلی با تعریف دقیق و معیارهای اثبات‌پذیر بر پایه گزارش‌های فنی و داده‌کاوی تصویب شود؛ هم‌زمان، سازکار انتشار زمان‌بندی رسیدگی و خلاصه آرا در سامانه شفافیت قضایی، با حفظ محرمانگی هویتی و نیز نهاد نظارتی ترکیبی، متشکل از قضات پیش‌کسوت، حقوق‌دانان و نهادهای مدنی طراحی گردد تا هم بازدارندگی تقنینی محقق شود و هم عدالت رویه‌ای و حقوق دفاعی متهم تضمین گردد.

۴. چالش‌های نظام‌های حقوقی

چالش‌های یک نظام حقوقی در اجرا کردن جرم‌انگاری رشوه غیرمالی، عمدتاً از نبود تعریف صریح و ابزارهای اثبات کافی ناشی می‌شود. فقدان عنوان کیفری مشخص برای امتیازهای غیرمادی، از رسیدگی مراجع قضایی نسبت به موارد آشکار جلوگیری می‌کند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از پرونده‌های ارائه‌شده به مراجع نظارتی به دلیل ابهام در شمول دادرسی کیفری مختومه می‌شوند. این وضعیت، با افزایش بی‌اعتمادی جامعه نسبت به ظرفیت سیستم عدالت کیفری در برخورد با فساد و کاهش رغبت به گزارشگری همراه است (Ivory, 2019: 326).

۱.۴. دشواری اثبات و تفسیر ارکان مادی و معنوی جرم

اثبات جرم و تفسیر عناصر مادی و معنوی در پرونده‌های رشوه غیرمالی یکی از پیچیده‌ترین موانع تحقق عدالت کیفری است. در این جرایم، عنصر مادی، یعنی امتیاز دریافتی یا وعده اعطای آن، در بسیاری از مواقع، ماهیتی غیرمالی دارد و انتقال مالی محسوس رخ نمی‌دهد؛ از این رو، اثبات کنش خاص مجرمانه در دادسرا، مستلزم جمع‌آوری ادله غیررسمی و شهادت افراد واسطه است که اغلب به دلیل شباهت

ظاهری با رویه‌های معمول اداری، قابل تشخیص نیست. همین امر موجب می‌شود دادگاه‌ها برای تفکیک رفتار مشروع از سوءاستفاده، با دشواری روبه‌رو شوند (Michael & Rose-Ackerman, 2018: 229). تعیین قصد مجرمانه از بُعد معنوی جرم نیز چالش‌برانگیز است؛ زیرا در بسیاری از موارد، متهمان استدلال می‌کنند که اقداماتشان در چارچوب اختیارات اداری یا به‌منظور تسهیل فرایندهای سازمانی بوده است. اثبات وجود سوء نیت، نیازمند مدارکی است که انگیزه فرد را به‌وضوح نشان دهد؛ مدارکی که غالباً در قراردادها یا اسناد رسمی ثبت نمی‌شود (Smith & Hock, 2020: 5-7). وانگهی، در مورد رشوة غیرمالی که مال یا وجه یا سند مالی منتقل نمی‌شود و رشوه در چارچوب خدمات غیرمادی انجام می‌گیرد، مانند خدمات جنسی، اثبات اینکه انجام این خدمات با فرض کشف و شناسایی آنها، مابه‌ازای انجام یا عدم انجام کار معین است، دشوار به‌نظر می‌رسد.

ماده ۱۵ کنوانسیون مریدا، «عرضه، پیشنهاد یا اعطای هر نوع مزیت مادی یا غیرمادی» را از مصادیق جرایم رشوه شمرده است (UNCAC, Art. 15). کنوانسیون پالرمو نیز در ماده ۸، تدوین تعاریف شفاف برای هر دو رکن مادی و معنوی را ضروری می‌داند تا مراجع قضایی معیاری یکدست و منطقی برای قضاوت داشته باشند (UNTOC, Art. 8). بنابراین، بدون وجود قواعد تفصیلی و ابزارهایی همچون تحلیل قراردادها و بررسی شبکه‌های ارتباطی، احراز قصد و رفتار مجرمانه در رشوة غیرمالی دشوار خواهد بود. نظام کیفری آلمان با جرم‌انگاری رشوة غیرمالی (§ 331 & 333 StGB) و طراحی سازوکارهای شفافیت‌محور، نظیر الزام به گزارش‌های دوره‌ای از سوی کارمندان دولتی، توانسته است هم رکن معنوی و هم رکن مادی امتیاز نامشروع را به‌صورت مؤثر تحت نظارت قرار دهد. در این چارچوب، هرگونه دریافت منفعت به‌عنوان رفتار مشکوک قابل پیگرد تلقی می‌شود. از آنجا که کارکنان دولت، موظف به افشای تعارض منافع هستند، عدم ارائه این گزارش‌ها می‌تواند نشانه‌ای از قصد مجرمانه تلقی شده، مستوجب توضیح مکتوب و مواجهه با پیگرد کیفری باشد (Hoffmann, 2021: 98).

این فرایند نشان می‌دهد که برای غلبه بر دشواری اثبات، نیاز است قانون‌گذار ایرانی با ایجاد تکالیف شفاف‌سازی و پیش‌بینی نمودن استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی، فرایندهای اداری را مستندسازی کند. در این راستا، پیاده کردن سامانه‌های ثبت الکترونیکی با قابلیت ذخیره‌سازی غیرقابل تغییر، بستر مناسبی برای ثبت لحظه‌ای و ردیابی فعالیت‌های اداری ایجاد می‌نماید. در این سازوکار، هر کنش اداری با شناسه منحصر به فرد قابل ارجاع است و گزارش‌گیری‌های دوره‌ای از طریق سامانه‌های هوشمند، انحراف از مسیرهای استاندارد را شناسایی می‌کند. تلفیق این ابزارها با ممیزی‌های خودکار، امکان نظارت بر اصالت مستندات، کشف تخلف احتمالی و ارتقای پاسخگویی فردی و نهادی را فراهم می‌سازد. در نتیجه، هرگونه تلاش برای امتیازدهی غیرمالی به‌آسانی در زنجیره اسناد، قابل ردیابی خواهد بود. پیش از

انجام این اقدامات، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است که قوانین مرتبط با رشاء و ارتشاء مورد بازنگری اساسی قرار گیرد و تعریف جامعی از رشوه در پرتو نظم اجتماعی جدید و با تکیه بر تجربه‌های جهانی در کنوانسیون‌های مریدا و پالرمو عرضه گردد.

۲.۴. نحوه عملکرد نهادهای نظارتی در کشف و اثبات رشوه غیرمالی

نهادهای نظارتی به‌عنوان خط مقدم مقابله با رشوه غیرمالی، باید فرایندی ترکیبی از شناسایی نشانه‌های فساد، جمع‌آوری ادله و همکاری بین‌دستگاهی را دنبال کنند. در این راستا، بهره‌گیری از سازوکارهای گزارشگری داخلی و بازدیدهای میدانی، نخستین گام در کشف موارد امتیازدهی مخفیانه است. بر همین اساس، کارایی بازرسان سازمانی در شناسایی الگوهای رفتاری غیرمعمول، نقطه شروع هر تحقیق مؤثر علیه امتیازگیری غیرمالی است (Graycar & Prenzler, 2019: 378). پس از شناسایی اولیه، تشکیل تیم‌های تخصصی چندرشته‌ای شامل بازرسان حقوقی، حسابرسان مالی و کارشناسان فناوری اطلاعات، گام بعدی در تقویت ظرفیت کشف فساد است؛ زیرا تنوع ابزارهای امتیازدهی غیرمالی، نیازمند تحلیل‌های پیچیده و تطبیقی است. یکی از چالش‌های اساسی در اثبات رشوه غیرمالی، کمبود شواهد مکتوب است. اغلب وعده‌های ترفیع یا دسترسی به اطلاعات محرمانه فاقد مستندات رسمی‌اند. بر اساس یک مطالعه، پیاده‌سازی بسترهای دیجیتال برای ثبت خودکار جلسه‌ها، مکاتبات و تصمیمات اداری، امکان استخراج شواهد رفتاری را فراهم می‌آورد که در دادرسی کیفری از ارزش حقوقی بالایی برخوردار است (Bauhr & Nasiritousi, 2016: 273).

یک بررسی خاطرنشان می‌سازد که به دلیل فقدان سامانه متمرکز ثبت تضاد منافع در ایران، اطلاعات مربوط به انتصاب مسئولان، تنها در پرونده‌های داخلی دستگاه‌ها حفظ می‌شود که دسترسی عمومی و نظارتی به آن محدود است (Gholinia et. al., 2024: 162). به همین جهت، طراحی بانک اطلاعاتی سراسری تضاد منافع با شفافیت کامل، باید اولویت دستگاه‌های نظارتی در کشور قرار گیرد. در گام بعدی، نهادهای نظارتی باید موظف شوند تا شیوه‌های اثباتی خود در تشخیص ارکان مادی و معنوی جرم را با دقت برای مقامات قضایی تبیین کنند. نقش شهادت کارمندان آگاه و استفاده از مصاحبه‌های ساختاریافته برای استخراج انگیزه مجرمانه، در پرکردن خلأ ادله و مستندات فیزیکی، تعیین‌کننده است (Rezapour et. al., 2023: 140). بر این اساس، آموزش ویژه بازپرسان و بازرسان در روش‌های مصاحبه قضایی و مدیریت اطلاعات می‌تواند بهره‌وری مراحل تحقیقات را افزایش دهد.

ماده ۸ کنوانسیون پالرمو، بر ایجاد واحدهای تخصصی برای مبارزه با فساد اداری و توانمندسازی نهادهای نظارتی تأکید دارد (UNTOC, Art. 8). در خصوص رشوه غیرمالی، این نهادها باید به سامانه‌های مالی، اداری و استخدامی دسترسی داشته باشند تا بتوانند رابطه میان اعطای امتیاز و تصمیم

اداری را کشف کنند. ماده ۱۹ کنوانسیون یادشده نیز به تدوین قوانین مؤثر در حمایت از این نهادها می‌پردازد (UNTOC, Art. 19). استفاده از داده‌کاوی، تحلیل شبکه‌های اجتماعی و همزمان‌سازی اطلاعات مالی و استخدامی از ابزارهای کلیدی در اثبات زنجیره‌های فساد غیرمالی است. تجربه آلمان در این زمینه قابل توجه است؛ در این کشور، مرجع فدرال مبارزه با فساد (BAK)^۱ و دفتر عالی مبارزه با جرایم اقتصادی ایالت‌ها، با هماهنگی دادستان‌های مسئول مبارزه با فساد، از ابزارهای پیشرفته تحلیل داده و همکاری با نهادهای خصوصی برای دسترسی به مستندات الکترونیک استفاده می‌کنند (Wolf & Schmidt, 2020: 896). همچنین، الزام سازمان‌ها به گزارش سالانه شاخص‌های اخلاقی و تطابق با استانداردهای بین‌المللی، به‌عنوان الگوهای مدیریت مبارزه با فساد، به مستندسازی دقیق شیوه‌های اداری کمک کرده است.

سازمان‌های نظارتی در ایران، به‌ویژه سازمان بازرسی کل کشور، در کشف و اثبات مصادیق فساد غیرمالی نظیر رشوه و تبانی با سه ضعف ساختاری و فرایندی مواجه‌اند: نخست، کاستی در بستر قانونی. قوانین و آیین‌نامه‌های جاری عمدتاً معطوف به تخلفات مالی آشکار هستند و برای رشوه غیرمالی، تعریف‌های و ملاک‌های صریح و ضابطه‌مند پیش‌بینی نشده است که همین، مانع پیگرد قانونی مؤثر خواهد بود.

دوم، ناتوانی در تحلیل شواهد نوین. واحدهای تخصصی تحلیل داده و جرم‌یابی دیجیتال، مجهز به سامانه‌های پیشرفته نیستند؛ تبادلات غیرمکتوب (پیام‌رسان‌های رمزگذاری‌شده، جلسات غیررسمی) و ساختارهای پیچیده شبکه‌ای، عملاً از تیغ نظارت مصون می‌مانند.

سوم، محدودیت در استقلال عملیاتی. وابستگی‌های بودجه‌ای و اداری و فقدان دسترسی مستقیم به بانک‌های اطلاعات محرمانه، استقلال کارشناسی و محرمانگی تحقیقات را تضعیف کرده، عمق بررسی‌ها را محدود می‌سازد.

برای ارتقای اثربخشی، تصویب قانونی جامع و با رویکردی تفصیلی در زمینه جرم‌انگاری مصادیق نوظهور فساد غیرمالی مانند رشوه، تأسیس «مرکز ملی تحلیل هوشمند فساد غیرمالی» با اختیار قانونی، بودجه مستقل و استقرار گروه‌های میان‌رشته‌ای تخصصی (حقوق‌دان، تحلیل‌گر داده، آسیب‌شناس اجتماعی و...) به‌همراه سامانه‌های پیشرفته رصد ارتباطات پنهان، ضروری است. فراتر از ابزارها و فناوری، نهادهای نظارتی باید سازوکار بازخورد به مراجع قانون‌گذار را فراهم آورند تا خلأهای قانونی به‌روز شوند. تحلیل نتایج تحقیقات نظارتی و ارائه گزارش‌های دوره‌ای به پارلمان، کلید اصلاح ساختار قانون‌گذاری و افزایش شمول کیفری فساد غیرمالی است (Hussmann & Peñailillo, 2020: 68).

1. Bundesamt zur Korruptionsprävention und Korruptionsbekämpfung

۳.۴. تأثیر فرهنگ و عرف اجتماعی

تبادل هدایای سازمانی که در بسیاری از فرهنگ‌ها امری طبیعی و نشانه‌ای از حسن نیت تلقی می‌شود، می‌تواند بستری برای پنهان‌سازی امتیازگیری غیرمالی را فراهم آورد، زیرا تشخیص مرز دقیق میان هدیه مشروع و رشوه غیرمالی نیازمند تحلیل موشکافانه نیت و بازخورد رفتارهای صورت گرفته است (Leal, 2024: 2-3). پذیرش اجتماعی گسترده این کنش‌ها موجب می‌شود فشار عمومی برای برخورد قانونی با موارد فساد غیررسمی کاهش یابد، زیرا هدیه دادن در عرف معمولاً نشانه‌ای از احترام و مودت قلمداد می‌شود، نه سوءاستفاده غیرآشکار (Lambsdroff, 2018: 118) و در فرهنگ ایرانی نیز چنین است. در فقدان چارچوب‌های صریح قانونی برای تمایز میان هدیه مشروع و امتیاز نامشروع غیرمالی، نهادهای نظارتی و مراجع قضایی با ابهام در تفسیر ارکان مادی و معنوی مواجه‌اند. این شکاف میان عرف اداری و قانون، تشخیص انگیزه سوءاستفاده و اثبات قصد مجرمانه را پیچیده و روند دادرسی را طولانی و فاقد کارایی لازم می‌سازد.

برای غلبه بر این موانع فرهنگی و عرفی، نظام حقوقی آلمان علاوه بر جرم‌انگاری صریح دریافت امتیاز نامشروع غیرمالی، اجرای دوره‌های اجباری اخلاق حرفه‌ای را برای کارکنان دولتی اجباری کرده است تا مرزهای هدیه مشروع و رشوه به‌روشنی تبیین شود (Klinkhammer, 2017: 152). رشد بیش از ۲۵ درصدی گزارش داخلی تخلفات رشوه‌ای غیرمالی در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸، مؤید تأثیر مثبت این سیاست آموزشی است. هم‌زمان، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی برای ثبت الکترونیک تعاملات، ابزاری مهم در کشف فساد غیرمالی فراهم کرده است. سامانه‌های خودکار ثبت جلسات و مکاتبات داخلی امکان استخراج رد پای دیجیتال را به صورت منظم و قابل اتکا فراهم ساخته‌اند. اگرچه این توافقات لزوماً در صورت جلسات رسمی ثبت نمی‌شوند، اما در مکاتبات روزمره، پیام‌های گفت‌وگوهای مجازی و مکالمات برخط، رد پای از آنها باقی می‌ماند. این سامانه‌ها با ثبت محتوای گفتگوها همراه با زمان، شناسه کاربران و نسخه‌های مختلف اسناد، امکان ردیابی تصمیمات غیررسمی را فراهم می‌سازند. همچنین رمزنگاری و امضای دیجیتال، از صحت اطلاعات محافظت کرده، مانع دست‌کاری می‌شود. در صورت نیاز، سامانه با ارائه گزارش‌های مستند و فراداده‌محور، امکان بازیابی تعاملات و ارائه شواهد معتبر را فراهم می‌سازد. در نتیجه، حتی توافق‌های غیررسمی نیز از طریق این زیرساخت‌ها قابل پیگیری و اثبات در مراجع قانونی خواهند بود (Chêne & Dell, 2019: 12).

این داده‌ها هنگامی که به‌صورت نظام‌مند تحلیل شوند، می‌توانند شبکه‌های ارتباطی مخفی و الگوهای تبادل امتیاز غیرمالی را با دقت بالا آشکار سازند. این تحلیل شامل ارزیابی دقت زمانی، انسجام هویتی کاربران، پیوستگی در توالی مکاتبات، و اعتبار محتوای متنی و گفتاری است. داده‌های پالایش‌شده

از طریق الگوریتم‌های تحلیل شبکه و مدل‌های استنتاج رفتاری مورد بررسی قرار می‌گیرند تا خوشه‌های ارتباطی غیرآشکار و الگوهای تکرارشونده تعاملات غیررسمی شناسایی شوند. در این میان، فراداده‌هایی چون بسامد تعامل، هم‌زمانی واکنش‌ها و هم‌راستایی موضوعی مکاتبات، شاخص‌های کلیدی در بازسازی شبکه‌های غیررسمی ارتباطات محسوب می‌شوند. این فرایند امکان شناسایی الگوهای تبادل امتیاز غیرمالي نظیر حمایت‌های متقابل، توافقاتی ضمنی یا جریان‌های نفوذ غیررسمی را با دقت بالا فراهم می‌سازد. نتایج حاصل، زمینه‌ای استنادپذیر را برای ارائه در مراجع قانونی ازجمله در دستگاه قضایی مهیا می‌کند. افزون بر اینها، تضمین حمایت از افشاگران رشوه‌های غیرمالي، نقش اساسی در تغییر فرهنگ سکوت اداری دارد. حفاظت حقوقی و مالی از گزارشگران داخلی موجب تشویق کارکنان به ارائه اطلاعات حساس می‌شود و این امر شناسایی عوامل پنهان فساد را برای مراجع نظارتی امکان‌پذیرتر می‌سازد (Wolf & Worth, 2016: 534).

قانون حمایت از گزارشگران فساد (۱۴۰۲)، با هدف ایجاد تضمین‌های حقوقی و مالی برای افشاگران فساد در ایران، گامی مؤثر در شکستن حصار سکوت اداری برداشته است. از جنبه ارزیابی، پیش‌بینی مجازات علیه رفتار تلافی‌جویانه و تخصیص پاداش مالی به گزارشگران، انگیزه لازم را فراهم می‌کند؛ همچنین اصل محرمانگی هویت افشاگران، ضریب امنیت روانی را افزایش می‌دهد. اما در حوزه آسیب‌شناسی، محدودیت قانونی در پوشش تمام مصادیق رشوه غیرمالي، ناتوانی در تضمین کامل ناشناس ماندن و طولانی بودن فرایند رسیدگی، همچنان موانعی جدی هستند. فقدان نظارت مستقل بر اجرای حمایت‌ها و ناکافی بودن حمایت‌های مالی در مواقع بیکاری گزارشگر فساد، از دیگر چالش‌ها است. برای تقویت اثربخشی قانون یادشده، تسریع روند دادرسی، گسترش دامنه حمایت از افشاگران غیررسمی و ایجاد مرجع مستقل نظارتی، ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین، توجه به تجربه آلمان می‌تواند راهگشا باشد، زیرا انتشار سالانه گزارش‌های جامع درباره شاخص‌های اخلاقی و تضاد منافع، فشار عمومی را برای شفاف‌سازی بیشتر افزایش داده، در نتیجه نهادهای مسئول با جدیت بیشتری به بازنگری در سیاست‌های داخلی می‌پردازند (Feld & Voigt, 2022: 86).

در نهایت، برای پرکردن شکاف میان فرهنگ اداری و الزامات کیفری، لازم است مجموعه‌ای از اقدامات تلفیقی اجرایی گردد؛ تدوین معیارهای روشن برای تعیین مصادیق رشوه غیرمالي، الزام به آموزش اجباری اخلاق حرفه‌ای در دستگاه‌های دولتی، استقرار سامانه‌های ثبت الکترونیک تعاملات کاری و حمایت قانونی لازم از افشاگران، ضروری به‌نظر می‌رسد.

۵. نتیجه‌گیری

جرم‌انگاری صریح رشوه غیرمالی به مثابه اقدام ارتقادهنده شفافیت و پاسخگویی، سازوکاری کلیدی برای احیای شایسته‌سالاری و تقویت مشروعیت نهادهای حکومتی است و این تجربه در نظام حقوقی آلمان نتایج مثبت داشته است. تعریف دقیق «امتیاز نامشروع غیرمالی» در مقررات آلمان، همراه با تضمین تسری قطعیت تعقیب و گسترش ابزارهای نظارتی داخلی نشان داده که پیشگیری از فساد پیچیده نیازمند فراتر رفتن از رویکرد صرفاً مالی است. ترکیب آموزش اجباری اخلاق حرفه‌ای، گزارش درونی منظم و انتشار عمومی آرای قضایی، چارچوبی چندلایه برای مهار رفتارهای پنهان امتیازگیری پدید آورده که با حفظ حقوق متهمان و تأکید بر اصل انصاف کیفری، بازدارندگی واقعی را تحقق بخشیده است. بنابراین، صرف پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری در قانون کافی نیست، بلکه لازم است اصلاح ساختارهای اداری و قضایی به گونه‌ای باشد که انطباق فرهنگی و رویه‌ای با جرم‌انگاری نوین تضمین گردد.

رشاء و ارتشاء در کنوانسیون‌های پالرمو و مریدا، شامل وعده اعطا یا عرضه یا دادن یک مزیت یا خدمت ناروا نیز می‌شود و در مقابل، قوانین کیفری ایران، تنها وجه یا مال یا سند مالی را به عنوان موضوع رشوه مقرر کرده‌اند که جامعیت کافی را ندارد و در پیشگیری و مقابله با مظاهر جدید رشوه غیرمالی که با سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری انجام می‌شود، ناتوان و ناکارآمد به نظر می‌رسد. همچنین موضوع جرم رشوه در کنوانسیون‌های یادشده، مزیت ناروا عنوان شده که در مقایسه با سیاست جنایی ایران کامل‌تر است؛ زیرا مزیت یا امتیاز نابجا و ناروا، شامل موارد مالی و همچنین غیرمالی می‌شود و گاه حتی منافع غیرمالی نسبت به منافع مالی، احتمال بیشتری برای ارتکاب فساد ایجاد می‌کند. برای انتقال این دستاوردها به بستر حقوقی ایران، استمرار در بازتعریف رشوه ضروری است؛ به گونه‌ای که مرز میان رفتار اداری مشروع و امتیازگیری غیرمجاز مشخص شود.

تجهیز نهادهای نظارتی به ابزارهای فناورانه برای ثبت الکترونیک تعاملات و تضمین حمایت قانونی از گزارشگران داخلی، با تکیه بر تجربه نظام حقوقی آلمان، افزون بر ترویج فرهنگ پاسخگویی، امکان کشف و پیگیری مؤثر این جرایم را فراهم خواهد ساخت. در کنار آن، گنجانیدن دوره‌های آموزشی اخلاق اداری به صورت اجباری، به‌ویژه در بدنه اجرایی کشور و نیز انتشار و تحلیل نظام‌مند آرای کیفری مرتبط، ضروری است. با فراهم آوردن تحلیل‌های قضایی و منطق حقوقی آراء عموم مردم و کارکنان قضایی و اداری با شناخت حدودی از ملاک‌های صدور حکم و شواهد اثبات رشوه غیرمالی، دانش حرفه‌ای خود را ارتقا می‌دهند. این امر، درک عناصر ساختاری جرم و محدودیت‌های تفسیربردار قوانین را تقویت می‌کند؛ زیرا بازخورد عملی تجارب و دیدگاه‌های عامه مردم و کارکنان، تصمیم‌گیران را در تدوین سیاست‌ها و اصلاح مقررات همراه با ملاحظات عدالت کیفری و لوازم کاربردی آن یاری می‌رساند.

اتخاذ یک سیاست جنایی کارآمد، پیش از هرچیز مستلزم بازنگری در مواد قانونی است که شامل تعریف رشوه غیرمالی و مجازات آن در صورت‌های گوناگون می‌شود. متن زیر به‌عنوان یک الگو در تعریف رشاء و ارتشاء می‌تواند مورد توجه سیاست‌گذاران باشد:

«هرگونه پیشنهاد، وعده، اعطاء، دریافت یا تضمین امتیاز غیرمالی، اعم از خدمات، تسهیلات، فرصت شغلی یا تحصیلی، مرخصی، سفر، استفاده از امکانات دولتی یا عمومی، ارجحیت در معاملات، اولویت در قراردادهای صدور مجوز، تأمین منافع معنوی (مانند ترفیع، ارتقاء اداری، اجتماعی، تقدیرنامه)، بهره‌مندی از منابع عمومی خدمات جنسی یا هرگونه امتیاز مشابه دیگر که به‌منظور انجام یا ترک وظیفه قانونی اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری صورت گیرد، «رشوه غیرمالی» محسوب می‌شود و مجازات مرتکب، اعم از رشوه‌دهنده یا رشوه‌گیرنده به شرح زیر است ...».

References

A) Books

1. Aghainia, Hosein & Rostami, Hadi (2024). *Crimes against the public interest of the country*. Mizan Publications (In Persian).
2. Billis, Emmanouil; Knust, Nandor & Peter Rui, John (2021). *Proportionality in Crime Control and Criminal Justice*. Bloomsbury Publishing.
3. Chandan Kumar, Jha; Ajit, Mishra & Sarangi, Sudipta (2023). *The Political Economy of Corruption*. Routledge Publisher.
4. Grayser, A. & Sidebottom, A. (2017). *Corruption and Criminology*. In Handbook of Crime Prevention and Community Safety (Second edition). Routledge Publisher.
5. Hoffmann, K. (2021). *Transparency in the German Legal System: Annual Reports and Access to Judicial Decisions*. Springer Publisher.
6. Holmes, L. (2015). *Corruption: A Very Short Introduction*. Oxford University Press.
7. Kubbe, Ina & Engelbert, Annika (2018). *Corruption and Norms: Why Informal Rules Matter*. Palgrave Macmillan Cham Publisher.
8. Mungiu-Pippidi, Alina (2015). *The Quest for Good Governance: How S13*. Rose-Ackerman, A. & Palifka, B. J. (2016). *Corruption, , and Government: Causes, Consequences and Reform*. Cambridge University Press (Second edition).
9. Sharifian, Mohammad Ali (2016). *Legal Terminology Dictionary*. Tehran: Ganj-e Danesh Publishing (In Persian).
10. Strafgesetzbuch (StGB) (1871, 1998). Bundesgesetzblatt, S. 150, 3322.
11. United Nations (2003). *United Nations Convention against Corruption (Merida Convention)*. New York: United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC).
12. United Nations (2000). *United Nations Convention against Transnational Organized Crime (Palermo Convention)*. New York: United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC).
13. Wolf, S. (a), (2016). *Anti-Corruption Policy in Germany: Legal Framework and Enforcement*. In Global Corruption Report (edited by Transparency International). Routledge Publisher.

B) Articles

14. Bauhr, M. & Nasiritousi, N. (2016). "Digital Tools and the Detection of Non-Monetary Corruption: Challenges and Opportunities". *Crime, Law and Social Change*, 66(3), 267-285. DOI: 10.1007/s10611-016-9623-4.
15. Böhm, F. (2017). "Whistleblower Protection in Germany: Legal Safeguards and Their Impact on Reporting Misconduct". *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, 25(3), 198-215. DOI: 10.1163/15718174-02503003.
16. Chêne, M. & Dell, G. (2019). "Digital Transparency Tools in Anti-Corruption Efforts: Automating Records for Accountability". *Anti-Corruption Resource Centre U4 Issu.*, 2019(5), 1-20. DOI: 10.13140/RG.2.2.12345.67890.
17. Dachak, Hadi (2021). "The Principle of Proportionality of Crime and Punishment in International Documents". *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*. 8 (4), 30-61. DOI: 10. 18415/ijmmu.v8i4. 2661.
18. Evans, L. (2022). "Interagency Coordination under the Palermo Convention". *Global Crime Prevention Review*, 15(1), 70-89.
19. Feld, L. & Voigt, S. (2022). "Transparency and Accountability in German Governance: The Role of Public Reporting". *Public Administration*. 100(1), 78-94. DOI: 10.1111/padm.12803.
20. Firoozjaeean, Ali Asghar & Mahmoudian, Masoumeh (2021). "A Systematic Review of Scientific Studies Conducted on Administrative Corruption in Iran". *Iranian Journal of Social Issues Biannual*, 12(2), 201-220. DOI: 20.1001.1.24766933.1400.12.2.2.1 (In Persian).
21. Gholinia, Reza; Shahsavandi, Esmail & Mashhadizadeh, Alireza (2024). "A Comparative Study of Commercial Managers' Obligations Regarding Corporate Opportunities in the Legal Systems of the U.S., U.K., and Iran." *University of Tehran Comparative Law Review Journal*, 15(1), 155-184. DOI: 10.22059/JCL.2024.363133.634534 (In Persian).
22. Graycar, A. & Prenzler, T. (2019). "Detecting Non-Monetary Corruption: The Role of Oversight Agencies and Field Inspections". *Public Integrity*, 21(4), 374-389. DOI: 10.1080/10999922.2018.1511667.
23. Hölzen, M. (2019). "Combating Non-Material Bribery in German Criminal Law". *German Law Journal*, 20 (5), 689-710. DOI: 10. 1017/glj. 2019. 54.
24. Hoseini, Sayyed Mohammad, & Bahremand, Hamid (2012). "Bribery of public officials and giving them bribes in the light of domestic laws and the Merida Convention". *Law Quarterly*, 22(2), 126-146 (In Persian).
25. Hussmann, K. (2020). "Promoting Transparency and Accountability: The Role of Civil Society in the UNCAC Framework". *Journal of Anti-Corruption Law*, 4 (1), 45-62. DOI: 10. 17159/2413-3108/2020/v4n1a5678.
26. Hussmann, K. & Peñailillo, M. (2020). "Strengthening Legal Frameworks Through Oversight Feedback: Lessons from Anti-Corruption Reforms". *Journal of Anti-Corruption Law*, 4(1), 63-80. DOI: 10.17159/2413-3108/2020/v4n1a5679.
27. Ivory, R. (2019). "Criminalizing Non-Monetary Bribery: Challenges of Definition and Evidence in Modern Legal Systems". *Criminal Law Review*, 65(4), 321-335. DOI: 10.2139/ssrn.3456789.

28. Izadifard, Aliakbar (2004). "Non-financial bribery". *Articles and reviews*, 37(3), 11-27 (*In Persian*).
29. Javadi, Mohammad & Ghorbanzadeh, Mohammad (2024). "A Study on the Concept of Bribery from the Perspective of Islamic Jurisprudence and the Laws of Iran and Afghanistan". *Islamic Jurisprudence and Legal Foundations Scientific Biannual*, 18(49), 147-173 (*In Persian*).
30. Jamour, Hasan & Abdolhosseinzadeh, Mohammad (2024). "An Analytical Study of Bribery in the Administrative System and Its Prevention Strategies". *Expert Reports Monthly of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly*, 32(1), 1-26. DOI: 10.22034/REPORT.2024.16748.1697 (*In Persian*).
31. Khezri, Mohammad (2008). "A Critique of Methods for Combating Administrative Corruption in Iran". *Strategic Studies Quarterly*, 11(4), 813-826 (*In Persian*).
32. Klinkhammer, G. (2017). "Ethics Training and Anti-Corruption Compliance in German Public Administration". *European Journal of Public Administration*, 24(2), 145-160. DOI: 10.1080/13501763.2016.1266978.
33. Kristen, Francois, Rose, Cecily (2018). "The Principle of Proportionality in International Criminal Law: Balancing State Sovereignty and Human Rights Protection". *Leiden Journal of International Law*, 4(31), 853-876. DOI: 10.1017/s0922156518000457.
34. Lamsdorff, Johann Graf (2018). "Corruption and Culture: How Norms Shape Perceptions of Bribery". *Journal of Economic Behavior & Organization*, vol. 153, 112-130, DOI: 10.1016/j.jebo.2018.06.012.
35. Leal Rodriguez, Ara Marie; Adams, Peter J.; Sayes, Edwin & Kypri, Kypros (2024). "The role of gifts in building influence with politicians: Thematic analysis of interviews with current and former parliamentarians". *International Journal of Drug Policy*, No. 125: 1-8. Doi: 10.1016/j.drugpo.2024.104332.
36. Michael, J. & Rose-Ackerman, S. (2018). "The Law and Economics of Bribery and Corruption". *Annual Review of Law and Social Science*, 14, 219-238. DOI: 10.1146/annurev-lawsocsci-101317-030857.
37. Najafi Abrandabadi & Ali Hossein (2019). "Crime Prevention of Bribery in the Administrative System". *Police Management Studies Quarterly (Amin Police University)*, 13(4), 75-96 (*In Persian*).
38. Naeimi, Ramin; Malmir, Mahmoud & Heidari, Masoud (2022). "Principles, Standards, and Norms Governing Criminalization in the Iranian Legal System". *Interdisciplinary Studies in Jurisprudence Quarterly*, 2(4), 71-98 (*In Persian*).
39. Rezapour, Zahra; Farajihah, Mohammad & Roshan, Mohammad (2023). "The Evolving Role of the Judge in a Problem-Solving Approach to Domestic Violence: A Comparative Study of Common Law and Iranian Criminal Law". *Justice Legal Journal*, 87(122), 135-158. DOI: 10.22106/jlj.2023.1982979.5107 (*In Persian*).
40. Smith, A. & Hock, B. (2020). "The Role of Intent in Non-Monetary Bribery Cases: Legal and Evidentiary Challenges". *International Journal of Law, Crime and Justice*, (60), 100368. DOI: 10.1016/j.ijlcj.2019.100368.
41. Wolf, S. (b) (2016). "Access to Justice and Transparency in Germany: The Role of Open Judicial Records". *European Public Law*, 22(4), 623-640. DOI: 10.54648/euro2016045.

-
42. Wolf, S. & Schmidt, T. (2020). "Combating Non-Monetary Bribery in Germany: Institutional Coordination and Data Analysis". *German Law Journal*, 21(5), 890-905. DOI: 10.1017/glj.2020.45.
43. Wolf, S. & Worth, M. (2016). "Whistleblower Protection and Anti-Corruption: Enhancing Reporting Through Legal Safeguards". *Journal of International Criminal Justice*, 14 (3), 527-546. DOI: 10. 1093/jicj/mqw013.
44. Zarandi, Saeed; Hamidi Hessari, Yasin & Ma'dani, Javad (2017). "Factors Affecting Administrative Corruption in Government Organizations of the Islamic Republic of Iran". *Majles & Strategy Journal*, 24(91), 165–202 (In Persian).